



بررسی حدیث «قرن الشیطان»
از دیدگاه علمای اهل سنت

* حسن حسینیعلی



◆ چکیده

مقاله‌ای که پیش رو دارید نوشته‌ای است در بررسی حدیث قرن الشیطان به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در کتب معتبر اهل سنت مانند صحاح و مسانید و تبیین موضوع این حدیث از دیدگاه علمای اهل سنت. از حاصل نظر علمای اهل سنت به دست می‌آید که مصداق بارز و اصلی حدیث قرن الشیطان، محمد بن عبدالوهاب مؤسس فرقه وهابیت است و علامتشان تراشیدن سر می‌باشد؛ چون از طرفی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سمت مشرق یعنی سرزمین نجد اشاره کردند و فرمودند که فتنه از آنجا آغاز می‌شود و حزب شیطان از آنجا خروج می‌کند. ابن تیمیه امام و مقتدای محمد بن عبدالوهاب می‌گوید: شرق مدینه همان نجد و درعیه است؛ جایی که مسیلمه کذاب از آنجا خروج و ادعای نبوت کرد^۱ و محل پیمان نامبارک محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود است و فتنه‌ها از آنجا آغاز شد. از طرف دیگر با توجه به جنایات زیاد وهابیت از قتل و غارت و تخریب و... معلوم می‌شود که مراد بارز حضرت از این پیشگویی، محمد بن عبدالوهاب و پیروان او می‌باشد.

کلیدواژگان: نجد، فتنه، قرن الشیطان، محمد بن عبدالوهاب، وهابیت، تحلیق.

۱. الجواب الصحیح، ص ۱۲۸، به نقل از نرم افزار مکتبه الشاملة.

◆ مقدمه

امروز جهان اسلام بیش از پیش نیاز به وحدت اسلامی دارد. وحدت اسلامی به معنای تقریب بین مذاهب و ید واحد شدن در برابر استکبار جهانی است که نفع آن به تمام مسلمانان خواهد رسید. البته معنای وحدت این نیست که شیعه، سنی یا سنی، شیعه گردد، بلکه مذاهب مختلف در محیطی آرام دور هم جمع شوند و با حفظ مبانی اعتقادی خود و احترام به معتقدات یکدیگر، مسائل اختلافی را مطرح سازند تا با مبانی یکدیگر آشنا گردند و در همین محیط آرام به هدف اصلی یعنی مسیر حق هدایت شوند و همان گونه که قرآن مبین فرموده است: به ریسمان الهی چنگ بزنند: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱ و اجازه دخالت در امور اسلامی و هتک حرمت به مقدسات و شعائر اسلامی را به بیگانگان و مستکبران جهان ندهند. اما صد افسوس که وحدت اسلامی با مانعی بزرگ همچون فتنه‌های فرقه وهابیت روبه‌رو است که این فرقه مانع پیشرفت اسلام و مسلمین و وحدت میان آنها شده است. محمد بن عبدالوهاب با درخواست کمک نظامی از امیر درعیه محمد بن سعود در سال ۱۱۶۰ق این فرقه را تأسیس کرد و هرآنچه را که مسلمانان برای اعتلای پرچم اسلام و وحدت اسلامی رشته کرده‌اند، این فرقه پنبه کرد.

◆ حدیث قرن الشیطان در منابع معتبر اهل سنت

حدیث قرن الشیطان یکی از احادیثی است که در اکثر کتب صحیح و معتبر اهل سنت آمده است. البته طرق مختلفی دارد و بخاری که از علمای بزرگ اهل سنت است و وهابیت تعصب شدیدی در مورد او دارند، با هشت سند صحیح^۲ و مسلم نیز با

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. هشت سند صحیح از کتاب صحیح بخاری عبارت‌اند از: ۱. کتاب الاستسقاء (۱۵)، باب مَا قِيلَ فِي الزَّلَازِلِ وَالْآيَاتِ (۲۵)، جزء ۲، ص ۴۱؛ ۲. الفتن باب قَوْلِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) «الْفِتْنَةُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ»، ج ۹، ص ۶۷، حدیث ۱؛ ۳. سند دیگر در ادامه حدیث قبل؛ ۴. الفتن باب قَوْلِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) —

پنج سند صحیح^۱، احمد بن حنبل با چهارده سند^۲، ترمذی سه حدیث^۳، مالک بن انس (امام مذهب مالکی) یک حدیث^۴ و همچنان زهبی (از علمای حنفی و رجالی اهل سنت) یک حدیث^۵ درباره موضوع قرن الشیطان ذکر کرده‌اند.

→ «الْفِتْنَةُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ»، ج ۹، ص ۶۷، حدیث ۲؛ ۵. فرض الخمس باب مَا جَاءَ فِي بُيُوتِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه وسلم)، باب ۴، جزء ۴، ص ۱۰۰؛ ۶. کتاب بدء الخلق باب صِفَةِ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ، باب ۱۱، جزء ۴، ص ۱۵۰؛ ۷. کتاب المناقب، باب حدثنا ابو معمر، باب ۶، جزء ۴، ص ۲۲۰؛ ۸. کتاب المغازی، باب قُدُومُ الْأَشْعَرِيِّينَ وَ أَهْلِ الْيَمَنِ، جزء ۵، ص ۲۲۰، حدیث ۴.

۱. پنج سند صحیح از کتاب صحیح مسلم عبارتند از: ۱. کتاب الفتن و أشراف الساعة، باب الفتنه من المشرق، جزء ۸ (ج ۲)، ص ۱۸۰؛ ۲. کتاب الفتن و أشراف الساعة، باب الفتنه من المشرق، جزء ۸ (ج ۲)، ص ۱۸۱؛ ۳. حدیث دیگری در ادامه حدیث قبل؛ ۴. حدیث دیگری در ادامه حدیث قبل؛ ۵. حدیث دیگری در ادامه حدیث قبل.

۲. چهارده سند از مسند احمد بن حنبل: ۱. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۶۱۳۰، ج ۳، ص ۳۹۵؛ ۲. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۵۷۷۵، ج ۳، ص ۳۱۰؛ ۳. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۴۷۸۲، ج ۳، ص ۶۵؛ ۴. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۵۲۲۷، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ۵. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۴۸۵۴، ج ۳، ص ۸۲؛ ۶. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۴۹۰۶، ج ۳، ص ۹۳؛ ۷. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۵۵۳۷، ج ۳، ص ۲۵۰؛ ۸. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۵۵۵۷، ج ۳، ص ۲۵۴؛ ۹. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۵۷۹۲، ج ۳، ص ۳۱۴؛ ۱۰. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۶۰۴۶، ج ۳، ص ۳۷۵؛ ۱۱. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۶۱۷۴، ج ۳، ص ۴۰۷؛ ۱۲. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۶۲۰۷، ج ۳، ص ۴۱۶؛ ۱۳. مسند عبدالله بن عمر، حدیث ۶۳۹۵، ج ۳، ص ۴۶۵؛ ۱۴. مسند ابو مسعود انصاری، حدیث ۱۷۵۳۰، ج ۷، ص ۱۱۲.

۳. سه حدیث ترمذی در سنن ترمذی عبارت‌اند از: ۱. کتاب الفتن، ج ۳، ص ۳۵۰، باب ۵۱، ح ۲۳۴۴؛ ۲. کتاب الفتن، باب ۶۵، ص ۳۶۲، ح ۲۳۷۰؛ ۳. کتاب المناقبِ بَابِ فِي فَضْلِ الشَّامِ وَ الْيَمَنِ، جزء ۵، ص ۳۸۹، ح ۴۰۴۷.

۴. تنویر الحوالک شرح موطأ مالک، ج ۳، ص ۱۴۲-۱۴۱؛ موطأ مالک، کتاب الاستئذان، کتاب ۵۴، ح ۲۹، به نقل از مفتاح کنوز السنه، ص ۴۰۴.

۵. سیر اعلام النبلاء، ذیل سالم بن عبدالله، ج ۵، ص ۳۸۳.

از جمله آنها روایت ذیل است:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ ذَكَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وسلم): «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَامِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمِينِنَا». قَالُوا: وَفِي نَجْدِنَا. قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَامِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمِينِنَا». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَفِي نَجْدِنَا. فَأَظُنُّهُ قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ، وَبِهَا يَطْلُعُ قَرْنُ الشَّيْطَانِ»؛^۱

عبد الله بن عمر می گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمودند: خدایا، منطقه شام ما و یمن ما را مبارک گردان. در این حین اصحاب به حضرت عرض کردند در مورد منطقه نجد دعا نمی فرمایید؟ حضرت دوباره همان دعای قبلی را تکرار فرمودند. باز اصحاب تقاضای دعا برای منطقه نجد کردند و این بار پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: در منطقه نجد سرگردانی‌ها و فتنه‌ها وجود دارد و گروه و قدرت شیطانی از همان جا طلوع خواهد کرد.

۱. صحیح بخاری، کتاب الفتن، باب قَوْلِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) «الْفِتْنَةُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ»، ج ۹، ص ۶۷، حدیث یک، و ج ۹، ص ۶۸، حدیث یک؛ سنن ترمذی، کتاب الْمُنَاقِبِ بَابِ فِي فَضْلِ الشَّامِ وَالْيَمَنِ، جزء ۵، ص ۳۸۹، ح ۴۰۴۷؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۹۵، ح ۶۱۳۰. شبیه به این حدیث، حدیث دیگری در مسند احمد وجود دارد: «عن ابن عمر أن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) قال: اللهم بارك لنا في شامنا ويمنا مرتين. فقال رجل: و في مشرقنا يا رسول الله. فقال رسول الله (صلى الله عليه وسلم): من هنالك يطلع قرن الشيطان ولها تسعة عشار الشر» (همان، ص ۳۱۰، ح ۵۷۷۵).

◆ مفهوم‌شناسی حدیث

◆ فتنه از نظر لغت

فتنه به معنای قتل و کفر و عذاب است.^۱ فتنه بر هر شر و فسادى اطلاق می‌شود^۲ و از منظر قرآن، از قتل هم بدتر است: ﴿وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾^۳ بنابراین فتنه به هر شرّ اعم از کفر و قتل و غارت گفته می‌شود.

◆ مفهوم کلمه قرن

کلمه قرن الشیطان که در روایت آمده، بر اساس کتب لغوی و شارحین صحیح بخاری، به معنای شاخ،^۴ حزب و گروه،^۵ امت، قدرت شیطانی که انسان را به سجده خود و برای گمراهی فرا می‌خواند،^۶ معنا شده است و به نظر می‌رسد منظور، گروه یا دسته‌ای خاص باشد که در بین مردم فتنه‌گری می‌کند و آنها را از دین منحرف می‌سازد.

◆ نجد از نظر جغرافیایی

مراد از نجد و شرق مدینه در روایت قرن الشیطان کدام منطقه است؟ بعضی از وهابیون می‌گویند مراد از منطقه نجد و شرق مدینه در روایت قرن الشیطان، منطقه عراق است، نه منطقه ظهور محمد بن عبدالوهاب و پیروانش.^۷ حال

۱. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۱۹.

۲. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۹۲.

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۱.

۴. المنجد، ماده قرن، ج ۲، ص ۱۳۰۴.

۵. عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۹؛ ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۱۸۸.

۶. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۳۱؛ فتح الباری، ج ۴، ص ۳۹.

۷. دعاوی المناوئین، ص ۲۳۹.

باید دید این سخن با کلام جغرافی‌دانان، علمای لغت، صاحبان دایرة المعارف و شارحان صحیح بخاری مطابقت دارد یا خیر؟

مطابق بیان آنان، البته با کمی تفاوت در تعبیر، نجد به مکانی مرتفع و بلند گفته می‌شود^۱ که مخالف زمین غور (گود و شیب‌دار) است^۲ و محدوده آن را از تهمامه تا سیاهی‌های سرزمین عراق^۳ تعیین کرده‌اند. نجد اسم خاصی است برای شهرهای عرب، و شامل منطقه‌ای می‌شود که محدوده آن از حجاز تا سرزمین عراق است.^۴ ابن‌اثیر جزری و زبیدی می‌گویند: نجد زمینی است که اعراب در آن سکونت دارند که محدوده آن ما بین سرزمین عراق و حجاز می‌باشد.^۵ ناجد و نجد و نجد و مناجده و نجد اسم هستند و نجدات به قومی از خوارج گویند که منسوب به نجدة بن عامر حروری حنفی می‌باشند.^۶

۱. تاریخ نجد، ص ۷؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۶۵؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۳؛ العین، ص ۹۴۰؛ جهمرة اللغة، ج ۱، ص ۲۶۶، ج ۳، ص ۳۹۹ (چاپ قدیم، ج ۱، ص ۴۵۱)؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۸؛ منتهی الارب، ج ۴، ص ۱۲۲۷؛ القاموس المحيط، ص ۳۰۳؛ مفردات، ص ۷۹۱؛ معجم مقایس اللغة، ص ۹۷۵؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۳؛ معجم الوسیط، ص ۹۰۲.

۲. تاریخ نجد، ص ۷؛ إرشاد الساری، ج ۲، ص ۲۴۷؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۹؛ العین، ص ۹۴۰؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۳؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۹؛ منتهی الارب، ج ۴، ص ۱۲۲۷؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳. إرشاد الساری، ج ۲، ص ۲۴۷؛ عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۹ و ج ۱۷، ص ۳۱۲؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۶۵؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۴؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۹؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۴۹؛ مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۳.

۴. تاریخ نجد، ص ۷؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۵؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۹؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۴۹؛ منتهی الارب، ج ۴، ص ۱۲۲۷؛ جهمرة اللغة، ج ۳، ص ۳۹۹ (چاپ قدیم، ج ۱، ص ۴۵۱)؛ مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۳.

۵. اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۳، ص ۲۹۹؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۹.

۶. لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۹؛ اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۳، ص ۲۹۹.

حجاز در غرب جزیره العرب واقع است که اهم شهرهای آن مکه مکرمه و مدینه الرسول است و از شمال به شام و اردن، از غرب به دریای احمر، از شرق به نجد و از جنوب به شهرهای عسیر متصل می‌شود.^۱ بنابراین منطقه نجد در شرق حجاز قرار دارد^۲ و از همین منطقه، قرامطه و مسیلمه کذاب و وهابیون خروج کردند و از دین منحرف شدند. امروز پایتخت وهابیان (ریاض) است.^۳

نجد اقلیمی دارد و اقلیم عارض، اقلیم وسط نجد می‌باشد و مهم‌ترین شهرهای عارض عبارت‌انداز: ۱. العینیه، ۲. الجبیله، ۳. الدرعیه، ۴. الریاض.^۴

حافظ وهبه از سفرای قدیم عربستان در لندن و از مدافعان وهابیت است. او در ابتدای کتابش نقشه‌ای را آورده و محدوده نجد را ما بین عراق و حجاز که در شرق مدینه قرار می‌گیرد، ترسیم کرده است.^۵ او می‌گوید: نجد بزرگ‌ترین قسمت از شهرهای عربی است که از شمال به قریات الملح و از جنوب به وادی الدواسر و از شرق به أحساء و از غرب به حجاز محدود می‌شود.^۶ ذکر این نکته لازم است که وقتی حجاز در غرب نجد باشد، یعنی نجد در شرق حجاز قرار دارد. وی در ادامه می‌گوید ریاض پایتخت نجد و مقر آل شیخ محمد بن عبدالوهاب یا نوادگان او می‌باشد.^۷ آلوسی هم نجد را ناحیه‌بندی کرده و از جمله ناحیه‌های آن را ناحیه عارض ذکر کرده که مرکز این ناحیه در ابتدا درعیه (اماره ابن سعود) بوده و بعداً به ریاض منتقل شده است.^۸

۱. موسوعة العتبات المقدسة، ج ۳، ص ۷.

۲. دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۱۰، ص ۵۴؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۹.

۳. دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۱۰، ص ۵۴.

۴. دائرة المعارف الاسلامیة، ص ۴۷۷ - ۴۷۸؛ جزیره العرب في قرن العشرين، ص ۴۵؛ تاریخ نجد، ص ۲۸؛ آثار

اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۲.

۵. جزیره العرب في قرن العشرين، ابتداء کتاب در چاپ پنجم.

۶. همان، ص ۴۱.

۷. همان، ص ۴۶.

۸. تاریخ نجد، ص ۲۶.

بنابراین نجد منطقه‌ای است با جغرافیا و محدوده مشخص که در شرق مدینه واقع شده است و از جمله شهرهای آن ریاض و عیینه (زادگاه محمد بن عبدالوهاب) و درعیه (زادگاه محمد بن سعود) است؛ چنان که تقی‌الدین ابن تیمیه امام و مقتدای محمد بن عبدالوهاب، می‌گوید شرق مدینه همان جایی است که مسیلمه کذاب خروج و ادعای نبوت کرد.^۱ بنابراین ادعای اینکه منطقه نجد همان منطقه عراق است، خیالی باطل و مخالف نظر صاحب‌نظران است.

◆ سند روایت

این حدیث را شش عالم بزرگ اهل سنت (بخاری، مسلم، احمد بن حنبل، ترمذی، مالک بن انس و ذهبی) با عبارتهای مختلف از سه صحابی (عبد الله بن عمر، ابوهریره، ابومسعود انصاری) نقل کرده‌اند که جمعاً ۳۲ حدیث می‌باشد و طبق مبنای اهل سنت احادیثی که بخاری و مسلم نقل می‌کنند، صحیح‌اند؛ زیرا طبق تحقیق رجالی بر مبنای اهل سنت اسناد هشت‌گانه بخاری صحیح می‌باشند و خود ترمذی در ذیل روایاتش تصریح به صحت سند روایت دارد. بنابراین شکی در صحت اسناد حدیث قرن الشیطان وجود ندارد و صدور این حدیث از ساحت مقدس پیامبر اسلام ﷺ قطعی است.

◆ تبیین دلالت حدیث

این روایت با عبارتهای مختلف بیان شده است که می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. در برخی روایات حضرت رسول اکرم ﷺ اهل شام و یمن را دعا کرده‌اند، ولی در مورد اهل نجد می‌فرمایند فتنه از آنجاست و شاخ شیطان نیز در آنجا طلوع می‌کند و این صورت در احادیث مذکور پنج مورد می‌باشد. در برخی دیگر آن حضرت اشاره به سمت مشرق کرده و فرموده‌اند فتنه از آنجاست و شاخ شیطان در آنجا پدید می‌آید، که این صورت شانزده مورد آمده است و در برخی دیگر حضرت رسول اکرم ﷺ اشاره

۱. فصل الخطاب، ص ۱۰۰؛ الجواب الصحیح، ج ۶، ص ۱۲۸، به نقل از نرم افزار مکتبه الشامله

به مکان خاصی نکرده و فرموده‌اند فتنه از آنجاست و شاخ شیطان در آنجا طلوع می‌کند، که این صورت سه بار آمده است.

برای فهم بهتر روایت لازم است به چند سؤال پاسخ دهیم:

۱. چرا حضرت اهل نجد را مانند اهل یمن و شام مشمول دعای خیر خود قرار نداده و پس از سه بار اصرار اصحاب برای دعا، نه تنها دعا نفرمودند بلکه خبری دادند که صددرصد مغایر درخواست اصحاب بود؟

با تأمل به این نحو از پاسخ پیامبر خدا ﷺ درمی‌یابیم گروهی از اهل نجد که در شرق مدینه می‌باشند، ریشه فتنه‌های آینده‌اند و پیامبر خدا ﷺ این مطلب را به خوبی می‌دانستند و می‌خواستند با این نحوه پاسخ، اصحاب و امت اسلامی را متوجه آن خطر بزرگ که موجب شکاف در امت اسلام است، بازگو کنند.

۲. چرا حضرت اهل نجد را به شاخ شیطان تشبیه کردند؟

به نظر می‌رسد برای فهم این قسمت از روایت لازم است نقش شیطان را در فتنه‌گری بیان کنیم و آن اینکه شیطان رانده‌شده از درگاه الهی، اولین و بزرگ‌ترین فتنه‌گر است که انسان‌ها را از مسیر حق منحرف می‌کند و به سوی باطل می‌کشاند. لذا خداوند به انسان‌ها این‌گونه هشدار می‌دهد: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِإِنْسَانٍ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾^۱ «همانا شیطان همیشه دشمن آشکار انسان است». بنابراین ما باید از شیطان که دشمن قسم‌خورده ماست، دوری جوئیم و از او تبعیت نکنیم و چون گروهی از اهل نجد فتنه‌گر و اهل قتل و غارت هستند، جزء پیروان شیطان می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت مراد حضرت این بوده که آنها مثل شاخ که کارش ضربه زدن به دیگران است، از روی هواهای نفسانی به دین و مسلمانان ضربه می‌زنند و با نام اسلام، اسلام را نابود می‌کنند.

۳. مراد از اهل نجد (پیروان شیطان) چه کسانی هستند؟

۱. سوره اسراء، آیه ۵۳.

همان طور که در ابتدای مقاله گفته شد، نجد بزرگ‌ترین منطقه عربستان سعودی است و محدوده آن از عرض تهامه تا سرزمین عراق^۱ است و در شرق مدینه منوره واقع شده است^۲ و از جمله شهرهای آن، ریاض و عیینه و درعیه می‌باشد^۳ و با توجه به اینکه محمد بن عبدالوهاب در عیینه به دنیا آمده^۴ و در شهر درعیه با محمد بن سعود پیمان بست که مخالفان خودشان را با بهانه تکفیر سرکوب کنند و جان و مال و ناموسشان را حلال شمرند و به غارت ببرند، پس مصداق روایت قرن الشیطان و این آیه شریفه می‌باشند: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۵ «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است».

بنابراین وقتی حضرت رسول اکرم ﷺ اهل نجد را دعا نمی‌کنند و بیان می‌کنند که اهل آن انسان‌های گمراه‌اند، در واقع ذهن مخاطبان را متوجه مسئله مهم یعنی فتنه‌های آینده این منطقه می‌کنند و ما را از آن برحذر می‌دارند تا گرفتار آنها نگردیم و به جای مسیر الی الله، به سوی شیطان نرویم.

۱. إرشاد الساري، ج ۲، ص ۲۴۷؛ عملة القاري، ج ۷، ص ۵۹ و ج ۱۷، ص ۳۱۲؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۶۵؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۱۴؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰۹؛ مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۴۹؛ مصباح المنير، ج ۲، ص ۵۹۳.

۲. موسوعة العتبات المقدسة، ج ۳، ص ۷؛ دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۱۰، ص ۵۴؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۹.

۳. دائرة المعارف الإسلامية، ص ۴۷۷-۴۷۸؛ جزيرة العرب في قرن العشرين، ص ۴۵؛ تاريخ نجد، ص ۲۸؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۲.

۴. تاريخ نجد، ص ۱۱۱؛ عنوان المجد في تاريخ نجد، ص ۳۳؛ علماء نجد، ج ۱، ص ۱۲۹؛ مشاهير علماء نجد، ص ۲۱؛ دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، ص ۷؛ الاعلام (قاموس تراجم الرجال و النساء)، ج ۶، ص ۲۵۷؛ جزيرة العرب في قرن العشرين، ص ۳۱۹؛ تاريخ نجد، ص ۳۱.

۵. سورة مائدة، آیه ۳۲.

◆ رابطه محمد بن عبدالوهاب با روایت قرن الشیطان

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۵ق در شهر عیینه واقع در شمال شهر ریاض از توابع اقلیم بزرگ نجد به دنیا آمد.^۱ وی منکر عقاید مسلمین بود و به حدی افراط کرد که مورد توبیخ و انکار استادان و پدرش و برادرش واقع شد؛ به حدی که آنها می گفتند به زودی گمراه خواهد شد و انسان های جاهل را به گمراهی می کشاند و همین طور هم شد.^۲ او در ابتدا علاقه زیادی به مطالعه تاریخ مدعیان دروغین نبوت مثل مسیلمه کذاب و سجاح تمیمی و اسود عنسی و طلیحه اسدی داشت. در واقع در درون ادعای نبوت داشت، ولی قدرت ابرازش را نداشت.^۳ در سال ۱۱۶۰ق محمد بن عبدالوهاب در شهر درعیه با محمد بن سعود^۴ هم پیمان شد^۵ که مخالفان را از میان بردارند و فرقه خود را گسترش دهند.^۶

محمد بن عبدالوهاب معتقد به کفر جمیع مردم زمین مگر معتقدین به اعتقاد خودش بود. لذا خون و مال مسلمین را مباح می دانست و در پی آن غارت کردند و کشتند و تخریب کردند و سوزاندند.^۷

۱. تاریخ نجد، ص ۱۱۱؛ عنوان المجد فی تاریخ نجد، ص ۳۳؛ علماء نجد، ج ۱، ص ۱۲۹؛ مشاهیر علماء نجد، ص ۲۱؛ دعوة الشیخ محمد بن عبد الوهاب، ص ۷؛ الاعلام (قاموس تراجم الرجال و النساء)، ج ۶، ص ۲۵۷؛ جزيرة العرب فی قرن العشرين، ص ۳۱۹؛ تاریخ نجد، ص ۳۱؛ اعلام الاسلام، ص ۳۷، (عبد الوهاب سکر سال تولد او را ۱۱۱۱ق می داند)؛ کشف الارتیاب، ص ۹؛ الملل و النحل، ج ۴، ص ۳۳۴.

۲. الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۴۶؛ فتنة الوهابیة، ص ۱؛ الفجر الصادق، ص ۱۷؛ تاریخ نجد، ص ۱۲۰؛ اعلام الاسلام، ص ۳۸.

۳. الفجر الصادق، ص ۱۷.

۴. تاریخ آل سعود، ص ۲۱.

۵. تاریخ نجد، ص ۱۱۵؛ کشف الارتیاب، ص ۹؛ اعلام الاسلام، ص ۳۹.

۶. فی منزل الوحی، ص ۱۱۴ (کان الشیخ عبد الله بن بلیهد عالم نجد یسعی ممتطاً جواداً... و هذا الرجل خلیفة محمد بن عبد الوهاب الحنبلی مجدد المذهب فی نجد، و الذي خلع اسمه علی الوهابیین الذين اقتدوا به فی اتباع ابن حنبل).

۷. اعلام الاسلام، ص ۳۹.

عثمان بن‌سند البصری می‌گوید: او دو اشکال بزرگ دارد:

۱. تکفیر اهل زمین بدون دلیل.

۲. جسارت در ریختن خون مظلوم بدون دلیل.^۱

وهّابی‌ها از درود فرستان به پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر روی منابر و پس از اذان ممانعت می‌کردند. مرد صالح نایبایی را که اذان می‌گفت و پس از اذان به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات فرستاد نزد محمد بن‌عبدالوهّاب آوردند و به دستور او مؤذن نایبنا را به جرم درود فرستادن بر آن حضرت کشتند.^۲ بدین ترتیب ابن‌عبدالوهّاب به کمک ابن‌سعود فتنه بزرگی را در میان مسلمانان ایجاد کردند و در این فتنه هزاران مسلمان بی‌گناه به جرم کفر، شرک و بدعت به خاک و خون کشیده شدند.^۳

◆ نظر علما درباره روایت «قرن الشیطان»

تا وقتی که محمد بن‌عبدالوهّاب و پیروانش خروج نکرده بودند، شارحان کتب حدیثی مصداق روایت را اهل شرق آن زمان می‌دانستند که اهل کفر و تفرقه میان مسلمین بودند،^۴ و یا گمان می‌کردند فتنه در این روایت، قتل عثمان،^۵ خروج دجال،^۶

۱. همان، ص ۴۲-۴۳.

۲. التوسل بالنبی و جهله الوهابیون، ص ۲۴۴؛ فتنه الوهابیة، ص ۱۴؛ الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۴۴.

۳. برای نمونه مراجعه شود به: عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۳۴-۶۸؛ تاریخ نجد، ص ۱۱۶-۱۱۹؛ کشف الارتیاب، ص ۱۳-۳۶ و ۵۰-۸۱ و ترجمه آن با عنوان تاریخ و نقد وهابیت؛ نصیحة لإخواننا علماء نجد، ص ۲۸-۸۶؛ تاریخ آل سعود، ص ۲۰-۲۵؛ مسیر طالبی، ص ۴۰۸؛ فی منزل الوحی، ص ۱۵۳-۲۴۱.

۴. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۹؛ إرشاد الساری، ج ۱۰، ص ۱۸۹؛ عملة القاری، ج ۲۴، ص ۱۹۹؛ حاشیة صحیح مسلم، جزء ۸، ج ۲، ص ۱۸۰.

۵. إرشاد الساری، ج ۱۰، ص ۱۸۸؛ عملة القاری، ج ۲۴، ص ۱۹۹.

۶. إرشاد الساری، ج ۱۰، ص ۱۸۸.

فتنه‌های قوم مضر و ربیع^۱ و فتنه‌های جنگ جمل و صفین است و یا مراد ظهور خوارج است که در منطقه نجد و عراق بودند.^۲

ابن حجر عسقلانی و قسطلانی می‌گویند: اینکه مراد از نجد را بادیه عراق دانسته‌اند، توهمی بیش نیست.^۳

اما بعد از خروج و فتنه‌های محمد بن عبدالوهاب و پیروانش، بعضی از علما مصداق فتنه‌گر و شاخ و پیرو شیطان را در حدیث به او و پیروانش تطبیق کرده‌اند که ذیلاً سخن برخی از علما را ذکر می‌کنیم:

۱. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب نجدی

شیخ سلیمان برادر محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

از چیزهایی که مذهب وهابیت را باطل می‌کند، حدیث‌هایی است که در صحیح بخاری و مسلم از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که آن حضرت فرمود: رأس کفر از طرف مشرق است^۴ و در روایت دیگر فرموده: ایمان از سمت یمن است و فتنه از این سمت از جایی که تابعان شیطان پدید آیند.^۵

شیخ سلیمان پس از نقل این احادیث می‌گوید:

گواهی می‌دهم رسول الله راست گو بود و ادای امانت و تبلیغ رسالت کرد. بنابراین وهابی‌ها مصداق این روایت‌اند؛ زیرا که به سبب اموری از قبیل زیارت قبور و استغاثه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مانند اینها، مسلمانان را کافر می‌دانند و از طرفی شهر نجد اول

۱. فتح الباری، ج ۶، ص ۴۲۳.

۲. عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۹۹؛ حاشیه صحیح مسلم، جزء ۸، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۹؛ ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

۴. الصواعق الإلهیه فی الرد علی الوهابیة، ص ۴۴ (چاپ بیروت، ص ۱۳۷)

۵. همان (چاپ بیروت، ص ۱۳۸)

شهری بود که فتنه از آن برخاست و در بین شهرهای مسلمین هیچ شهری فتنه و فساد آن از زمان گذشته تا حال به زیادی شهر نجد نبوده است و وهابیت از این شهر ظهور کردند.^۱

۲. احمد بن زینی دحلان، مفتی مکه مکرمه

زینی دحلان می‌گوید:

فتنه وهابیان از مصائب بزرگ اهل اسلام است؛ چرا که خون‌های زیادی را ریختند و اموال کثیری به غارت بردند؛ به طوری که ضرر و شرشان عالم‌گیر شد. بنابراین بسیاری از احادیث پیامبر خدا در باب فتنه، تصریح به همین فتنه‌ها دارد؛ مانند این فرمایش او که فرمود: مردمی از سمت مشرق برمی‌خیزند که قرآن می‌خوانند، ولی قرائتشان لقلقه زبان است و به آن عمل نمی‌کنند؛ لذا از دین بیرون می‌روند، همان‌طور که تیر از کمان بیرون می‌رود، و نشانه آنها تراشیدن سر می‌باشد.^۲

۳. جمیل افندی صدقی زهاوی

این دانشمند عراقی محمد بن عبدالوهاب را مصداق قرن الشیطان می‌داند و با استناد به سخنان استادان و پدر و برادرش، محمد بن عبدالوهاب را ملحد و کافر معرفی می‌کند.^۳

۴. قاضی عبدالرحمن قوتی

در مقدمه سبیل النجاة عن بدعة أهل الزيغ والضلالة می‌گوید:

۱. همان، ص ۴۵، (چاپ بیروت، ص ۱۴۰-۱۴۱).

۲. فتنة الوهابية، ص ۱۸-۱۹.

۳. الفجر الصادق، ص ۲۰-۲۲.

پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: «سیظهر من نجد شیطان تنزلزل
جزیره العرب من فتنة... فالمراد من هذا الشيطان محمد
بن عبد الوهاب؛ به زودی از نجد شیطانی ظهور خواهد کرد که
فتنه اش جزیره العرب را مضطرب و متزلزل خواهد کرد... مراد از
شیطان در این روایت، محمد بن عبد الوهاب است»^۱.

◆ شباهت وهابیان به خوارج

همان طور که محمد ابوزهره می گوید: «فكانوا يشبهون الخوارج الذين كانوا
يكفرون مرتكب الذنب»^۲. فرقه وهابیت شباهت‌هایی به فرقه منحرف خوارج دارد و از
باب نمونه یک مورد را ذکر می‌کنیم که بخاری و مسلم و ابن‌ماجه با الفاظ مختلف از
هفت صحابی نقل کرده‌اند^۳ و مفهوم آنها خروج وهابیت از دین است. ابوسعید خدری
نقل می‌کند:

عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ
وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ
الرَّمِيَّةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ فِيهِ حَتَّى يَعُودَ السَّهْمُ إِلَى فُوقِهِ». قِيلَ مَا سِبَاهُهُمْ؟
قَالَ: «سِبَاهُهُمُ التَّحْلِيْقُ»^۴؛

پیامبر خدا می‌فرماید: مردمی از شرق (خوارج) خروج می‌کنند که
قرآن می‌خوانند؛ درحالی که قرآن فقط لقلقه زبان آنها است و از دین

۱. صفحه عن آل سعود الوهابيين، ص ۱۳۰.

۲. تاريخ المذاهب الإسلامية في سياسة و العقائد، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳. صحيح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۷ و ۲۱۷؛ ج ۶، ص ۲۹۱؛ ج ۹، ص ۱۵۵؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۰-۱۱۷؛

شرح سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۷۲-۷۴؛ تاريخ اسلام، ج ۱، ص ۷۱۹؛ شروح بخاری.

۴. صحيح بخاری، ج ۶، ص ۲۴۴.

خارج می‌شوند مثل خارج شدن تیر از کمان، و سیما و شعارشان تراشیدن سر است.

زینی دحلان درباره این شباهت می‌گوید:

کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود سیمایشان تراشیدن سر است، نصی بر همین فرقه (وهابیت) است که از سمت مشرق خروج می‌کنند. (وی در ادامه می‌گوید): محمد بن عبدالوهاب دستور می‌داد که زنان نیز مانند مردان تحلیق کنند، تا جایی که به زنی گفت: سر خود را بتراش، آن زن در جواب گفت: موی زن به منزله محاسن مرد است، و با این جواب، محمد بن عبدالوهاب را به سکوت وادار کرد.^۱

◆ جمع بندی

با بررسی حدیث یاد شده از سوی علمای اهل سنت روشن گردید که مراد از شرق مدینه، منطقه نجد است که در عربستان سعودی قرار دارد؛ همچنان که ابن تیمیه می‌گوید شرق مدینه همان محل خروج مسیلمه کذاب است.^۲ آن منطقه زادگاه محمد بن عبدالوهاب است و محل پیمان نامبارک او با محمد بن سعود و آغاز فتنه‌ها و انحراف‌ها بوده است و نیز روشن شد که مصداق بارز این حدیث محمد بن عبدالوهاب و پیروان او می‌باشد.

۱. الفجر الصادق، ص ۲۱. با این مضمون ر.ک: فتنة الوهابية، ص ۱۳؛ كشف الارتباب، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۲. فصل الخطاب، ص ۱۰۰؛ الجواب الصحيح، ج ۶، ص ۱۲۸، (برگرفته از نرم افزار مکتبه الشاملة).

◆ كتابنامه

١. ارشاد الساري لشرح صحيح البخاري: شهاب الدين احمد بن محمد قسطلاني، مصر: مطبعة الكبرى الاميريه، ١٣٠٤ق.
٢. اعلام الاسلام: محمد بن عبد الوهاب، حلب: المكتبة العربية، بي.تا.
٣. الاعلام: قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين: خيرالدين زركلي، بيروت: دارالعلم للملادين، چاپ ششم، بي.تا.
٤. آثار اسلامي مكه و مدينه: رسول جعفريان، تهران: مشعر، ١٣٨٧ش.
٥. تاج العروس من جواهر القاموس: محمد مرتضى زبيدي حنفي، بيروت: دار مكتبة الحياة، ١١٩٣م.
٦. تاريخ اسلام و وفيات المشاهير و الاعلام: شمس الدين ذهبي، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الاسلامي، بي.تا.
٧. تاريخ المذاهب الاسلاميه في السياسة و العقائد: محمد ابوزهره، دارالفكر العربي، بي.تا.
٨. تاريخ آل سعود: ناصر سعيد، مكة المكرمة: منشورات دار مكة المكرمة، ١٤٠٤ق.
٩. تاريخ نجد: جون فيليبي، بيروت: المكتبة الاهلية، بي.تا.
١٠. تاريخ نجد: سيد محمود شكرى آلوسى، قاهره: المطبعة السلفية، ١٣٤٧ق.
١١. تاريخچه نقد و بررسى وهابى ها: سيد محسن امين، ترجمه: سيد ابراهيم علوى، تهران: امير كبير، ١٣٨٧ش.
١٢. تنوير الحوالك شرح موطأ مالك: جلال الدين سيوطى، بيروت: مكتبة الثقافيه، ١٩٧٣م.
١٣. التوسل بالنبي و جهالة الوهابيون: ابو حامد بن مرزوق، استانبول: مكتبة ايشيق، ١٣٩٦ق.
١٤. تمهيد التهذيب: شهاب الدين احمد بن على بن حجر عسقلاني، تحقيق: صدقي جميل العطار، بيروت: دارالفكر، بي.تا.
١٥. تمهيد الكمال في أسماء الرجال للحافظ المتقن: جمال الدين ابى الحجاج يوسف مزى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٨ق.
١٦. جزيرة العرب في القرن العشرين: حافظ وهبه (سفير المملكة العربية السعودية بلندن)، مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، چاپ پنجم، ١٣٨٧ق.
١٧. جهره اللغة: ابوبكر محمد بن حسن بن دريد ازدي، بيروت: دار العلم للملادين، چاپ قديم، بي.تا.
١٨. الجواب الصحيح: أحمد بن عبد الحليم ابن تيميه، (نرم افزار مكتبة الشاملة).

١٩. دائرة المعارف الاسلامية أصدر بالالمانية والإنجليزية والفرنسية: محمد ثابت قندي، احمد شنتاوى، ابراهيم زكى خورشيد، عبد الحميد يونسى، تهران: انتشارات جهان.
٢٠. دائرة المعارف القرن العشرين: محمد فريد وجدى، بيروت: دار المعرفة، چاپ سوم.
٢١. الدرر السنه في الرد على الوهابيه: احمد بن زيني دحلان، مصر: مطبعة مصطفى الباني، چاپ سوم، ١٣٨٦ ق.
٢٢. دعاوى المناوئين لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب عرض و نقد: عبدالعزيز بن محمد بن علي العبد اللطيف، رياض: مكتبة الرشد-ناشرون، ١٤٢٧ ق.
٢٣. دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب بين المعارضين و المنصفين و المويدين: محمد بن جميل زينو، مكة المكرمة: دار الحديث الخيرية.
٢٤. سنن ترمذي: محمد بن عيسى بن سوره ترمذى، قاهره: المكتبة السلفيه بالمدينه (مطبعة الفجاله الجديده القاهره)، ١٣٨٧ ق.
٢٥. سير اعلام النبلاء: شمس الدين ذهبى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ ق.
٢٦. صحيح بخاري: محمد بن اسماعيل بخارى جعفى، قاهره: مطبعة مصطفى باني حليى، ١٣٧٨ ق.
٢٧. صحيح مسلم: مسلم بن حجاج قشيري نيشابورى، چاپ الازهر مصر مطبعة محمد على، ١٣٣٤ ق.
٢٨. صفحه عن آل سعود الوهابيين وآراء علماء السنة في الوهابية: سيد مرتضى رضوى، قاهره.
٢٩. الصواعق الإلهية في الرد على الوهابية: شيخ سليمان بن عبد الوهاب نجدى، مصر: مكتبة تهذيب الازهر (چاپ ديگر چاپ دار ذوالفقار بيروت لبنان با تحقيق السراوى، چاپ اول، ١٩٩٨ م).
٣٠. علماء نجد خلال ثمانية قرون: عبدالله بن عبد الرحمن بن صالح آل بسام، رياض: دار العاصمه، چاپ دوم، ١٤١٩ ق.
٣١. عمدة القاري شرح صحيح البخاري: بدر الدين محمود بن احمد عيني، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٣٢. عنوان المجد في تاريخ نجد: ابن بشر عثمان بن عبدالله، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد اللطيف، رياض: چاپ چهارم، ١٤٠٢ ق.
٣٣. العين: خليل بن احمد فراهيد، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، ١٤٢٦ ق.
٣٤. فتح الباري بشرح صحيح البخاري: شهاب الدين احمد بن علي بن حجر عسقلاني، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، ١٤٠٢ ق.
٣٥. فتنه الوهابية: احمد بن زيني دحلان، چاپ افست استانبول، ١٤٠٧ ق.
٣٦. الفجر الصادق في الرد على منكري التوسل و الكرامات و الخوارق: جميل افندى صدقى زهاوى، چاپ افست، استانبول: ١٣٢٣ ق.

٣٧. فرقة وهابى و پاسخ به شبهاى آنها: علامه سيد محمد حسن قزوینى، ترجمه: على دوانى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ سوم، ١٣٦٨ ش.
٣٨. فرهنگ بزرگ جامع نوین؛ ترجمه المنجد: احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام، ١٣٦٥ ش.
٣٩. فصل الخطاب من كتاب الله و حديث الرسول و كلام العلماء فى مذهب ابن عبد الوهاب: سليمان بن عبد الوهاب، مصر: قاهره، بی تا.
٤٠. فى منزل الوحي: محمد حسين هيكل، مصر: مكتبة النهضة المصرية، چاپ سوم، ١٩٥٧ م.
٤١. القاموس المحيط: فيروز آبادى، بيروت: دار احياء التراث العربيه، چاپ دوم، ١٤٢٤ ق.
٤٢. كشف الريباب فى اتباع محمد بن عبد الوهاب: سيد محسن امين، كتابخانه بزرگ اسلامى، چاپ سوم، بی تا.
٤٣. اللباب فى تهذيب الانساب: عز الدين بن اثير جزرى، بيروت: دار صادر، بی تا.
٤٤. لسان العرب: جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور افريقى مصرى، بيروت: دار صادر، بی تا.
٤٥. مجمع البحرين: شيخ فخرالدين طريحي، تحقيق: سيد احمد حسینی، تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ دوم، ١٣٩٥ ق.
٤٦. مجمع البلدان: شهاب الدين ياقوت بن عبدالله حموى، بيروت: دار صادر، ١٣٨٨ ق.
٤٧. مسائل الجاهلية: محمد بن عبد الوهاب، مدينه منوره: مطبوعات الجامعة الاسلامية، ١٣٩٦ ق.
٤٨. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل، تحقيق: محمد عبد القادر، بيروت: دار الكتب العلمية، ٢٠٠٨ م.
٤٩. مسير طالبى يا سفرنامه ميرزا ابوطالب خان: ابوطالب بن محمد اصفهانى، تهران، ١٣٨٣ ش.
٥٠. مشاهير علماء نجد و غيرهم: عبد الرحمن بن عبد اللطيف بن عبدالله آل شيخ، دار الياض، چاپ دوم، ١٣٩٤ ق.
٥١. مصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى: احمد بن محمد بن على مقرئ فيومى، قم: دار الهجرة، ١٤٠٥ ق.
٥٢. معجم الوسيط: ابراهيم مصطفى، احمد حسن الزيات، حامد عبد القادر، محمد على نجار، استانبول: دار الدعوة، بی تا.
٥٣. معجم قبائل العرب القديميه والحديثه: عمر رضا كخاله، بيروت: دار العلم للملايين، ١٣٨٨ ق.
٥٤. معجم مقاييس اللغة: ابوالحسن احمد بن فارس بن ذكريا، بيروت: دار الاحياء التراث العربية، ١٤٢٩ ق.
٥٥. مفتاح كنوز السنة: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربية، ٢٠٠١ م.
٥٦. مفردات: راغب اصفهانى، قم: طليعه نور، چاپ چهارم، ١٤٢٩ ق.
٥٧. الملل والنحل دراسة موضوعية مقارنة للمذاهب الإسلامية: جعفر سبحانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامية، ١٤١٤ ق.

٥٨. منتهي الأرب في لغة العرب: عبد الرحيم بن عبد الكريم صفى پورى، تهران: كتابفروشى اسلامى، ١٣٧٧ ش.
٥٩. موسوعة العتبات المقدسة: جعفر خليلى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤٠٧ ق.
٦٠. الموسوعة العربية الميسرة: ابراهيم مدكور، سهرى قلمهاوى، زكى نجيب محمود، قاهره: دار الشعب رئيس المكتب سيد حسن جلال.
٦١. نصيحة لإخواننا علماء نجد: يوسف بن سيد هاشم رفاعى، مقدمه: دكتور محمد سعيد رمضان البوطى، مكتبة الرشيد، ١٤٢٠ ق.
٦٢. هل نجد أرض الشيطان: نجاح طائى، دار الهدى لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤٣٣ ق.

